

www.ketab.ir

کتاب کوچک راهنمای زندگی



www.ketab.ir

سرشناسه: براون، اچ. جکسون، ۱۹۴۰ - Brown, H. Jackson

عنوان و نام پدیدآور: کتاب کوچک راهنمای زندگی، نسخه کلمات اچ. جکسون براون؛ مترجم امیرحسین بهرام‌نژاد، ویراستار: زهرا تقی‌زاده .

مشخصات نشر: تهران: انتشارات اریش،.

مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص، ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۴۵-۳

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Life's little instruction book, 1995 .

یادداشت: کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "اندرزهای کوچک زندگی" با ترجمه ۴ شبنم خوشبخت توسط انتشارات کتاب آوند دانش در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است
عنوان دیگر: اندرزهای کوچک زندگی.

موضوع: خوشبختی -- کلمات قصار

موضوع: Happiness -- Quotations, maxims, etc

موضوع: راه و رسم زندگی -- کلمات قصار

موضوع: Conduct of life -- Quotations, maxims, etc

شناسه افزوده: بهرام‌نژاد، امیرحسین، ۱۳۶۷ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: BJ ۱۴۸۱

رده‌بندی دیویی: ۴۴/۱۷۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۷۴۹۵۷



انتشارات اریش

کتاب کوچک راهنمای زندگی

اچ. جکسون براون

مترجمان: امیرحسین بهرام‌نژاد

ویراستار: زهرا تقی‌زاده

طرح جلد: مریم شعبان

صفحه‌آرا: امید مقدس

چاپ و صحافی: قشقایی

چاپ نخست: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۱۲-۴۵-۳

بها: ۴۰ هزار تومان

این اثر تحت حمایت قانون مؤلفان و مصنفان قرار دارد. هرگونه کپی‌برداری از کتاب به هر شکل بدون اجازه کتبی ناشر پیگرد قانونی دارد. کلیه حقوق کتاب متعلق به ناشر است.

www.arishpub.com
info@arishpub.com

@arishpublication
@arishpub

پیشگفتار نویسنده

شکل گیری این کتاب هنگامی آغاز شد که می خواستم به پسرم آدام هدیه ای بدهم، همچنان که او مشغول جمع کردن وسایل شخصی اش برای شروع یک زندگی تازه در کالج بود، من در گوشه اتاق نشیمن نشستم و تجربه و توصیه هایی را که فکر می کردم ممکن است به دردش بخورد، یادداشت کردم.

سال ها پیش در جایی خواندم که مسئولیت والدین هموار کردن راه برای فرزندان شان نیست، مسئولیت آنها در اختیار گذاشتن نقشه این راه است. امیدوارم او بتواند از این بازتاب های ذهنی و قلبی استفاده کند.

این گونه بود که آغاز به نوشتن کردم و آنچه گمان می کردم نوشتنش چند ساعت طول بکشد، روزها به طول انجامید. دست نوشته هایم را جمع آوری و تایپ کردم و داخل یک کاغذکادوی ارزان قیمت قرار دادم. به گاراژ رفتم و آن را زیر صندلی جلوی اتومبیل مان گذاشتم.

چند روز بعد من و همسرم در انتقال دادن وسایل پسرمان به خوابگاه کالج کمکش کردیم، وقتی کار جابه جایی تمام شد، از او خواستم با من به گاراژ بیاید. وقتش رسیده بود. دست زیر صندلی

اتومبیل‌مان کردم و با گفتن: "این چیزی است که از یک زندگی شاد و پرارزش می‌دانم"، بسته کاغذها را به او دادم. او مرا در آغوش گرفت و دستم را فشرد. لحظه بسیار خاصی بود.

به هر حال، آن صفحات تایپ شده همین کتابی شد که اکنون در دست دارید. شاید شما با همه این گفته‌ها موافق نباشید و من مطمئنم بر مبنای تجارب شخصی‌تان می‌توانید صدها گفته دیگر نیز به این‌ها بیفزایید. مسلماً بعضی از برخی دیگر مهمتر هستند، اما هر کدام به نوبه خود شادی، معنا و کارایی به زندگی من بخشیدند.

چند روز پس از آنکه نوشته‌هایم را به آدام دادم، تلفن کرد و گفت: «پدر، من کتاب پندها را خواندم و فکر می‌کنم این بهترین هدیه‌ای بود که در تمام عمرم گرفته‌ام. به سهم خودم چیزهایی به آن خواهم افزود و روزی به پسرم خواهم داد».

زندگی هر از گاهی لحظه‌ای را به شما پیشکش می‌کند که آن چنان قیمتی و جذاب است که شما را تقریباً شعله‌ور می‌کند؛ من می‌دانم، زیرا که به تازگی یکی از آن لحظات را تجربه کرده‌ام.